



بسمه تعالی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین

دانشکده پرستاری و مامایی

بررسی تأثیر آموزش روانی گروهی بر میزان اضطراب مراقبین اصلی بیماران دوقطبی در اولین بار بستری روان پزشکی در بیمارستان ۲۲

بهمن قزوین

استاد راهنما:

محمد مرادی بگلویی

استاد مشاور:

دکتر حسین جاودانی

استاد مشاور آمار:

سعید شهسواری

نگارنده:

سمیه اسماعیلی

سال انتشار

۱۳۹۸

چکیده:

مقدمه: اختلال دوقطبی بیماری مزمن پیچیده‌ای است که مشخصه‌ی آن دوره‌های تکرار شونده‌ی افسردگی و مانیا (شیدایی) یا هیپومانیا می‌باشد. اعضای خانواده بیماران روانی اغلب احساس ناتوانی و تجربه دیسترس، اضطراب، افسردگی و مشکلات اقتصادی دارند. هدف این مطالعه تعیین تأثیر مداخلات آموزشی گروهی بر میزان اضطراب مراقبین اصلی بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی نوع یک در اولین بار بستری روان‌پزشکی در بیمارستان ۲۲ بهمن قزوین در سال ۹۷ می‌باشد.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع کار آزمایشی بالینی با طرح پیش‌آزمون – پس‌آزمون و با گروه شاهد بوده است. مشارکت کنندگان به روش نمونه‌گیری آسان (در دسترس) انتخاب شدند. نمونه‌ها به صورت تصادفی در دو گروه برابر آزمایشی (۳۲ نفر) و شاهد (۳۲ نفر) تقسیم شدند. به هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه مانده و از سرپرست بیماران و نیز مراقب اصلی آن‌ها رضایت نامه آگاهانه اخذ گردید. جهت گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه‌ی داده‌های دموگرافیک و پرسشنامه‌ی اضطراب بک در ۲ مرحله که شامل پیش از انجام مداخله و پس از انجام مداخله استفاده شد. تمامی نمونه‌ها ابتدا پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و اضطراب بک را تکمیل نمودند. جلسه آموزشی، حمایتی برای گروه آزمون با حضور مراقب اصلی، هفته‌ای دو جلسه و هر جلسه به مدت ۹۰ دقیقه در طی هشت هفته برگزار گردید. گروه کنترل در این مدت هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. برای آنالیز داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۰ و نیز مقدار $p\text{-value} < 0.05$ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد میانگین میزان اضطراب در گروه آزمایش در پیش‌آزمون $37/44$ با انحراف معیار $11/76$ و در گروه گواه $29/53$ با انحراف معیار $8/89$ بود. میانگین میزان اضطراب در گروه آزمایش در پس‌آزمون $12/22$ با انحراف معیار $7/84$ و در گروه گواه $28/41$ با انحراف معیار $9/10$ بود. میانگین میزان اضطراب در گروه آزمایش در پیگیری $6/69$ با انحراف معیار $4/81$ و در گروه گواه $27/31$ با انحراف معیار $9/44$ بود. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مداخلات آموزشی روانی گروهی توانست در کاهش مشکل روانی (اضطراب تجربه‌شده) خانواده بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی نوع I در اولین بار بستری مؤثر باشد و باعث کاهش آن گردد. یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای مانند جنس، سن، تحصیلات و نسبت با بیمار فرد مراقبت کننده از بیمار هیچ تأثیری در دو گروه بر میزان اضطراب مراقبان در بعد از مداخله و در پیگیری سه ماه بعد نداشته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده مداخله آموزش روانی گروهی طراحی شده‌ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته توانسته است تغییرات مطلوبی در میزان اضطراب مراقبین در رابطه با مراقبت از بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی نوع I در اولین بار بستری ایجاد نماید. در کشور ما وظیفه مهم حمایت و نگهداری از بیمار روانی بر دوش خانواده‌ها نهاده شده است؛ بنابراین آرایه حمایت‌های آموزشی، هیجانی، اجتماعی و مشاوره‌ای برای خانواده‌ها و بیماران ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه می‌توان گفت: مداخله آموزش روانی گروهی مراقبین بیماران دوقطبی در اولین بار بستری می‌تواند باعث کاهش شدت اضطراب مراقبین گردد و به عنوان یک روش درمانی در این افراد به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: اضطراب، اختلال دوقطبی، مراقب اصلی، آموزشی روانی

Qazvin University of Medical Sciences

School of Nursing and Midwifery

Evaluation of the effect of group psychoeducation on the anxiety level of the main caregiver of
Bipolar patients at first admission to 22 Bahman Qazvin Hospital

Supervisor:

Mohammad Moradi Beglui

Advisor:

Dr. Hossein Javadani

Statistics Advisor:

Saeed Shahsavari

Writer:

Somayeh Esmaeeli

۲۰۱۹

Abstract:Introduction:Bipolar disorder is a complex chronic disease characterized by recurrent periods of depression and mania (hypnosis) or hypomania.

The purpose of this study was to determine the effect of group educational interventions on anxiety of primary caregivers of patients with bipolar I disorder for the first time in psychiatric hospital in Qazvin 22 Bahman Hospital in 1997.

method:The present study was a clinical trial with a control group using convenience sampling method and was randomly divided into two equal experimental (n = 32) and control (n = 32) groups.Both groups were assured that their information was kept confidential and informed consent was obtained from the patient's supervisor and their primary caregiver.Eligibility for data collection Two demographic and Beck anxiety questionnaires were used in two stages including pre-intervention and post-intervention and both groups were asked to attend a meeting.Completing the post-test (Beck Anxiety Inventory) in a group. During the eight sessions, they received group-based psychosocial interventions and the control group received no intervention after the pre-test.SPSS software version 20 and p-value <0.05 were used for data analysis.

findings:The mean anxiety level in the experimental group in the pre-test was 37.44 with a standard deviation of 11.76 and in the control group was 29.53 with a standard deviation of 8.89.

The mean level of anxiety in the experimental group at post-test was 12.22 with standard deviation of 7.84 and in the control group was 28.41 with standard deviation of 9.10.

The mean level of anxiety in the experimental group was 6.69 with a standard deviation of 4.81 and in the control group was 27.31 with a standard deviation of 9.44.

Conclusion:The designed group psychoeducational intervention used in this study has been able to produce favorable changes in carers' awareness about caring for patients with type I bipolar disorder and thereby reduce their anxiety, thus considering the effectiveness of this intervention in reducing Psychological burden of family caregivers in the study group and the content of this training program seems to be able to reduce the psychological burden of family caregivers of patients with other medical disorders by applying some modifications in view of the type of chronic disorder

Anxiety, bipolar disorder, primary caregiver, psychological education